



Evaluation of the Role of Informal Settlements in the Criminal Behavior of Residents: A case study of Islam Abad and Koshtargah Areas of Urmia City

Babak Pourghahramani¹✉

1. (Corresponding Author) Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

Email: b.pourghahramani@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Paper

Received:
26 May 2024
Received in revised form:
30 August 2024
Accepted:
29 September 2024
Available online:
6 November 2024

Keywords:
Informal Settlements,
Delinquency,
Urmia,
Marginalized Areas.

ABSTRACT

Background and Aim: Population growth in Iran, estimated at 0.7% in 2023, has led to challenges such as rising poverty, uncontrolled urban expansion, housing crises, large-scale rural-to-urban migration, and, most importantly, the emergence of informal settlements, commonly known as slums. This study aims to examine the impact of informal settlements on delinquency in Urmia County.

Methodology: This research employs a descriptive-survey method with a cross-sectional design. The statistical population includes residents of informal settlements in the Islamabad and Koshtargah neighborhoods of Urmia. A simple random sampling method was used to select 100 participants equally from both areas. Data were collected using direct observation and a researcher-designed questionnaire consisting of 20 five-point Likert scale items. The collected data were analyzed using SPSS software, Pearson's correlation coefficient, and the t-test.

Results: The results indicate a significant correlation between informal settlements and delinquent behavior. Additionally, an unequal distribution of wealth and migration are positively associated with an increase in delinquency. Furthermore, relative deprivation in peripheral urban areas contributes to the emergence of criminal behavior.

Conclusion: The study reveals a significant difference in delinquency rates between slum residents and other urban citizens based on their socioeconomic status. Moreover, there is a positive and meaningful correlation between residence location, unemployment rates, and the tendency toward delinquency and social harm. These findings highlight the direct impact of poor economic and social conditions in informal settlements on the rise of criminal behavior in these areas.

Citation: Sharif Ahmadi, F., Shams, M., & Sarwar, R. (2024). The Impact of Environmental Design on Reducing Criminal Opportunities for Prison Inmates. *Journal of Police Geography*, 12 (47), 77-93.
<http://doi.org/10.22034/POGRA.2025.1281941.1531>



© The Author(s)

Publisher: Security Sciences and Social Studies Research Institute, NAJA.

This is an open access article under the CC BY NC license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



ارزیابی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی در بزهکاری ساکنان مطالعه موردی: مناطق اسلام آباد و کشتارگاه شهر ارومیه

بابک پورقهرمانی^۱

۱- نویسنده مسئول، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. Email: b.pourghahramani@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶ واژگان کلیدی: سکونتگاه‌های غیررسمی، بزهکاری، ارومیه، مناطق حاشیه‌نشین.	زمینه و هدف: رشد جمعیت در ایران، که در سال ۱۴۰۲ برابر با ۰,۷ درصد برآورد شده است، چالش‌هایی همچون افزایش فقر، توسعه بی‌رویه شهرها، بحران مسکن، مهاجرت گسترده روستاییان به شهرهای بزرگ و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی (حاشیه‌نشینی) را به همراه داشته است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر سکونتگاه‌های غیررسمی بر بزهکاری در شهرستان ارومیه انجام شده است. روش پژوهش: این تحقیق از نظر روش‌شناسی، توصیفی-پیمایشی و مبتنی بر روش زمینه‌یابی است. جامعه آماری شامل ساکنان مناطق حاشیه‌نشین اسلام‌آباد و کشتارگاه در شهر ارومیه است. برای تعیین نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد و ۱۰۰ نفر از ساکنان این دو منطقه (به‌طور مساوی) انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مشاهده و پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته با ۲۰ گویه پنج‌گزینه‌ای بر اساس طیف لیکرت است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که بین سکونتگاه‌های غیررسمی و گرایش به رفتارهای بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، توزیع ناعادلانه ثروت و مهاجرت با افزایش رفتارهای بزهکارانه همبستگی مثبت دارند. علاوه بر این، میزان محرومیت نسبی در مناطق حاشیه‌ای، زمینه‌ساز ارتکاب بزهکاری است. نتیجه‌گیری: بررسی‌ها نشان داد که میزان بزهکاری میان شهروندان حاشیه‌نشین و سایر شهروندان بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تفاوت معناداری دارد. همچنین، میان محل سکونت، نرخ بیکاری و گرایش به بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی ارتباط مثبت و معناداری مشاهده شد. این نتایج نشان‌دهنده تأثیر مستقیم شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی بر افزایش رفتارهای بزهکارانه در این مناطق است.

استناد: پورقهرمانی، بابک. (۱۴۰۳). ارزیابی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی در بزهکاری ساکنان مطالعه موردی: مناطق اسلام‌آباد و کشتارگاه شهر ارومیه. *مجله پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی*، ۱۲ (۴۷)، ۹۳-۷۷.

<https://doi.org/10.22034/POGRA.2025.1281941.1531>

ناشر: پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا

© نویسندگان



مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی یکی از مهم‌ترین مسائل امروز بشر و چالش‌های توسعه فرایند می‌باشد. این فرایند نکته قابل ملاحظه رشد کلان‌شهرها در دهه‌های اخیر و در کشورهای جهان سوم می‌باشد (کریمی و سرگل زایی، ۱۴۰۱: ۹۴) و توسعه مزبور سبب مشکلات و چالش‌های از جمله حاشیه‌نشینی و یا سکونتگاه‌های غیررسمی را به همراه داشته هست. سکونت‌گاه‌های غیررسمی علی‌رغم اینکه دارای چالش‌های اجتماعی بسیاری هستند، محیط شهر اصلی را نیز دچار بسیاری از مشکلات اجتماعی مانند ناامنی و نظایر آن می‌کنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کج‌روی‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، پیدایش زمینه‌های فحشا و نظایر آن فراهم می‌شود. مصرف مواد مخدر و نابسامانی‌های کانون خانواده در مناطق حاشیه‌نشین از نتایج شوم مهاجرت‌های شدید روستایی به شهرهاست.

سکونتگاه‌های غیررسمی علی‌رغم اینکه دارای چالش‌های اجتماعی بسیاری هستند، محیط شهر اصلی را نیز دچار بسیاری از مشکلات اجتماعی مانند ناامنی و نظایر آن می‌کنند (کارگر و رحیمی، ۱۴۰۰). در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کج‌روی‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، پیدایش زمینه‌های فحشا و نظایر آن فراهم می‌شود. مصرف مواد مخدر و نابسامانی‌های کانون خانواده در مناطق حاشیه‌نشین از نتایج شوم مهاجرت‌های شدید روستایی به شهرهاست. تجمع مهاجران با فرهنگ‌های متعدد در حاشیه شهرها همراه با معضلات ناشی از فقدان اشتغال، منجر به بزهکاری‌ها و ایجاد مناطق تبهکاری می‌شود. مطالعات و تحقیقات جامعه‌شناسی شهری نشان داده است که زندگی حاشیه‌نشینی با افزایش جرائم رابطه مستقیم و نزدیکی دارد و گاهی این رابطه دوسویه است؛ یعنی حاشیه‌نشینی و جرم علت و پیامد یکدیگرند (توسلی و نورمردی، ۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز: طرفداران نظریه فعالیت روزمره معتقدند همگرایی و ترکیب سه عنصر زیر موجب شکل‌گیری مکان‌های جرم‌خیز می‌شود: وجود اهداف مجرمانه در این مکان‌ها که بزهکاران را ترغیب به ارتکاب جرم در این محدوده‌ها می‌کند، این اهداف می‌تواند مردم یا اشیایی باشد که معمولاً قربانی بزه می‌گردند؛

-وجود بزهکارانی که دارای انگیزه، توان و مهارت کافی جهت انجام عمل مجرمانه هستند؛

-نبود مراقبت و کنترل مناسب جهت مقابله با اقدامات مجرمانه از سوی مردم و مسئولین عوامل و عناصر مختلفی در

افزایش و پراکندگی جرائم در کلان‌شهرها مؤثر می‌باشند. (زنگ‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۲)

مجموعه عوامل یادشده باعث می‌شود این اجتماعات به لحاظ قضاوت‌های ارزشی شهری نیز از منزلت پائینی در شهر برخوردار باشند؛ پس واقعیتی که عملاً در ارتباط با آن‌ها مشاهده می‌شود؛ در انزوای اجتماعی قرار گرفتن و طرد شدن آن‌ها است. چنین مصادیقی در تمام نواحی حاشیه‌نشینی با کم‌شدت و ضعف در جریان هست که یکی از این نواحی مناطق حاشیه‌نشینی شهرستان ارومیه می‌باشد که چالش‌های به‌خصوص خود را دارد. چراکه در وضعیت فعلی، سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرستان ارومیه به چالش تبدیل شده است زیرا این شهر با توجه به موقعیت خاص جغرافیای، اجتماعی، تاریخی و وجود اقوام مختلف دارای شرایط ویژه‌ای هست که آن را از سایر مناطق کشور متمایز می‌سازد. شهرستان ارومیه دارای سکونتگاه‌های غیررسمی زیادی است از جمله؛ علی‌آباد، اسلام‌آباد، کشتارگاه و غیره.. در نظر گرفتن این موضوع از جهات مختلف و به‌ویژه از منظر عدالت اجتماعی، رشد فضایل اخلاقی، رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه، بسیار مهم و حیاتی است. ضمن اینکه تداوم شرایط موجود باعث افزایش فاصله طبقاتی بین حاشیه‌نشینان و شهرنشینان خواهد شد (باقرزادگان و میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۶۶). محرومیت و عدم برخورداری سکونتگاه‌های غیررسمی از تسهیلات زندگی شهری در قیاس با دیگر نواحی شهری آن‌ها را کانون مسائل بغرنج شهری و انسانی نموده است که یکی از آن‌ها افزایش بزهکاری و جرم می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین سکونت در سکونتگاه‌های غیررسمی و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه

معنی‌داری وجود دارد (فرضیه اصلی). بررسی مشخصات کالبدی و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکان‌ها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل‌کننده ارتکاب جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر بزهکاری، امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری را فراهم می‌آورد (باقرزادگان و میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۶۶؛ مسعودی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۹). در این راستا مطالعه میزان و نوع بزهکاری و شناسایی الگوهای اجتماعی و جغرافیایی این ناهنجاری‌ها و بررسی بزهکاری غالب آن مناطق از جمله؛ نزاع، درگیری، سرقت، اعتیاد به مواد مخدر و علل وقوع و ارائه راه‌های پیشگیری از بزهکاری از ضروریات انجام این پژوهش حاضر است. با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی این شهرستان تحقیق حاضر به دنبال این مسئله هست که آیا بزهکاری در نواحی سکونت‌گاه‌های غیررسمی این شهرستان متفاوت از سایر مناطق هست؟ و چه اقدامات پیشگیرانه‌ای می‌توان در جهت کاهش بزهکاری در این نواحی ارائه داد؟

رحیمی و کارگر (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر جرم در مکان‌های بی‌پناه شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۹ شهر تهران)» به این نتیجه رسیده‌اند که مقیاس محله‌ای فضاهای مستعد برای جرم شامل فضاهای تاریک در شب، گوشه‌های پنهان و خارج از دید ساکنان، فضاهای دارای پوشش گیاهی انبوه، فضاهای متروک و رها شده، شبکه شطرنجی دسترسی‌ها، کارگاه‌های ساختمانی نیمه‌کاره، فضاهای دارای در رو، تورفتگی و عقب‌نشینی بدنه فضاهای ساخته شده است و در مقیاس شهری این فضاها را می‌توان به بخش‌های جدا مانده از حوزه فعالیت شهروندان، پوشش گیاهی انبوه در حاشیه فضاهای عمومی، فضاهای متروک و رها شده با کارکرد متناوب دسته‌بندی کرد.

در پژوهش قنبری و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان «بررسی علل تشدید حاشیه‌نشینی در تبریز از منظر عوامل برنامه‌ریزی ناحیه‌ای» ثابت شده هست که مهم‌ترین عوامل مؤثر در تشدید و گسترش حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تبریز عبارت‌اند از: (۱) مدیریت و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و فناوری، (۲) جاذبه‌های اقتصادی، رشد جمعیت و بروز مخاطرات محیطی، (۳) نابرابری درآمدی و دسترسی به شغل و امکانات، (۴) دافعه‌های اقتصادی محل سکونت مبدأ و اختلافات قومی، (۵) دافعه‌های اجتماعی فرهنگی محل سکونت قبلی، (۶) رشد جمعیت روستا و میل به مهاجرت و (۷) یافتن شغل و مسکن.

حجازی‌نیا و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش «تبیین اثرات حاشیه‌نشینی بر میزان وقوع جرائم شهری در شهر یاسوج مطالعه موردی سکونتگاه‌های پیرامونی مادوان سفلی، بل هزار و مهربان» به این نتیجه رسیده‌اند که عدم جذب حاشیه‌نشینان در نظام اقتصادی و اجتماعی شهر موجب رانده شدن این افراد به نواحی غیررسمی می‌گردد که مستعد وقوع انواع جرائم و بزهکاری‌های متعدد می‌باشند. همچنین بین مکان محل سکونت شهروندان نواحی پیرامونی شهر یاسوج و افزایش جرم در این سکونتگاه‌ها ارتباط معناداری وجود دارد و مهاجرت، فرهنگ فقر، زیرساخت‌های نامناسب شهری، آسیب‌های روانی و اجتماعی، اختلافات خانوادگی و ناموسی در میزان جرائم شهری مؤثر می‌باشند.

حیدری و محمدی (۱۳۹۹) در پژوهش «تحلیل و ارزیابی آسیب‌های اجتماعی در محلات دارای اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد - شهر زنجان)» به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده آسیب‌های اجتماعی در محله غیررسمی اسلام‌آباد ناشی از بیکاری (با ضریب ۰٫۹۸۰)، بی‌عدالتی (با ضریب ۰٫۹۸۸)، و توزیع ناعادلانه ثروت (با ضریب ۰٫۹۷۸) می‌باشد و بعد «اجتماعی - فرهنگی» (با ضریب ۰٫۶۲۷) بیش‌ترین همبستگی را بر گسترش آسیب‌های اجتماعی دارد. یعنی با تضعیف شرایط اجتماعی - فرهنگی در جامعه، آسیب‌های اجتماعی نیز گسترش پیدا می‌کند.

شمشادی، فرزانه، (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیلی بر سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر نقش و اهمیت عوامل اقتصادی (مطالعه موردی: محله اسلام‌شهر، استان همدان)» از مهم‌ترین معضلات و مسائل شهروندان در اسلام‌شهر

می‌توان به بیکاری، کمبود امکانات رفاهی و بهداشتی، کمبود خدمات شهری، رشد روزافزون جمعیت مهاجر به این محله، فقر، انحرافات اجتماعی همچون اعتیاد و ... اشاره کرد.

حیدری و لطفی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر زنجان (مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد)» نشان می‌دهد که علی‌رغم پایین بودن نرخ رشد جمعیت در این محله (۱/۴ درصد) نسبت به شهر زنجان (۲/۰۲ درصد)، تراکم جمعیت بالا بوده و در نتیجه به کاهش سطح سرانه مسکونی منجر شده است. همچنین نتایج حاصل از پژوهش حاکی از پایین بودن سطح استاندارد شاخص‌های اجتماعی و کالبدی، به‌خصوص شاخص مسکن در محله اسلام‌آباد نسبت به شهر زنجان می‌باشد.

ولی آنچه این پژوهش را از تحقیقات مشابه متمایز می‌کند اینک؛ این تحقیق عمدتاً ناظر بر بزهکاری ساکنان آن مناطق هست درحالی‌که تحقیقات دیگر نقش آن را نسبت به جرائم شهری یا سایر مناطق بررسی کرده‌اند و از طرفی تحقیقات مذکور یک بعد از مسئله را نسبت به بزهکاری بررسی کرده‌اند درحالی‌که پژوهش حاضر سعی کرده است موضوع را از جوانب مختلف بررسی کند و علاوه بر آن تحقیقات حاضر شهرستان ارومیه را بررسی نکرده‌اند و اگر هم بررسی شده هست کمتر به این موضع مستقیماً پرداخته شده است و ضرورت اقتضا می‌کرد که این موضوع در مورد این شهر هم بررسی شود تا جوانب موضوع و نیز راهکارهای پیشنهادی با توجه به موقعیت این شهر ارائه شود.

مبانی نظری

دیدگاه بوم‌شناسی (اکولوژی اجتماعی)

نظریه‌پردازانی همچون کلینارد^۱ و مکینتاش^۲ با توجه به بافت فیزیکی شهر سازوکار پیدایش حاشیه‌نشینی را توجیه می‌کنند. کلینارد در این زمینه دودسته نظریه را ارائه می‌دهد:

الف) تغییر در نحوه استفاده از زمین: از نظر کلینارد و بر اساس مطالعه برگس^۳ و ویرث^۴، مکان‌هایی که امروز دارای زاغه‌نشینی و منطقه مسکونی مد روز بوده‌اند ولی با گسترش مناطق تجاری و صنعتی کارخانه‌ها، انبارها و مراکز عمده‌فروشی در همسایگان افرادی که وضع بهتری دارند از مرکز شهر به سمت خارج شهر حرکت می‌کنند و در حومه‌های زیبای شهر زندگی می‌کنند و کارگران کم درآمد که شامل گروه‌های قومی فقیر تازه‌وارد گروه‌های نژادی می‌باشند به این مناطق آمده و ساکن این نواحی می‌شوند چون مالکان اجاره کمی جهت تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها دریافت می‌دارند، شرایط نزول می‌یابد و به علت شلوغی زیاد، بی‌توجهی و تخریب توسط، ساکنین، این مناطق به زاغه‌ها تبدیل می‌شوند.

ب) کمبود مسکن و عدم تعمیر و نگهداری صحیح آن: در مورد دسته دوم نظریات بوم‌شناسانه، کلینارد از قول ابرامز^۵ می‌نویسد: ساکنان این‌گونه مناطق نمی‌توانند خانه‌های مناسبی برای خود فراهم کنند، زیرا بخش خصوصی خانه‌های خود را به قیمت‌هایی که آنان نمی‌توانند از عهده پرداختش برآیند، عرضه می‌نمایند (زاهدانی، ۱۳۹۰: ۱۴).

1. clnard
2. machintosh
3. berges
4. wirth
5. abrams

نظریه آنومی دورکیم

دورکیم جامعه‌شناس معروف فرانسوی و بنیان‌گذار جامعه‌شناسی، علل بروز جرائم را در محیط اجتماعی، مورد مطالعه قرار داده و معتقد است که جرم یک پدیده عادی اجتماعی است و نباید یک پدیده غیرعادی اجتماعی تلقی گردد. در هر اجتماعی بزهکاری وجود دارد و جامعه‌ای نیست که در آن بزه وجود نداشته باشد. بزه یک عامل سلامتی عمومی و جزء لاینفک هر اجتماع سالم است و علل استثنائی در نوع جرائم تأثیری ندارد، چون جرائم ناشی از فرهنگ و تمدن هر اجتماع است. دورکیم و به‌طور کلی جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که پدیده بزهکاری و جرم را نمی‌توان با عوامل روانی و جسمانی افراد توجیه کرد زیرا این عوامل نقش چندانی در بزهکاری افراد نداشته بلکه عوامل اجتماعی از قبیل شرایط نامناسب خانواده و کمبود محبت، ناسازگاری والدین، طلاق، بزهکاری والدین، بیکاری، مهاجرت، وسایل ارتباط جمعی، ضعف اعتقادات و باورهای دینی، وضع بد اقتصادی خانواده عوامل سیاسی و جنگ و.... است که نقش تعیین‌کننده‌ای در بزهکاری و اعمال مجرمانه افراد دارد (نجفی توانا، ۱۳۷۷، ص ۲۰۵).

در جرم‌شناسی از تئوری وی بانام «نظریه بی‌هنجاری اجتماعی» یاد می‌شود. با دقت در این نظریه، تأثیر حاشیه‌نشینی که خود نوعی محیط اجتماعی بی‌هنجار با شرایط خاص است در وقوع جرم، به‌ویژه نزاع مشخص می‌شود. هرچند اندیشمندان بر عوامل کنترل شخصی و درونی و نیز، عوامل کنترل اجتماعی تأکید نموده‌اند. ولی تأثیر محیط نمی‌توان غافل ماند (سروستانی، ۱۳۸۹: ۹۴).

«ساترلند» عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد تا غیر جرم‌زا، شانس و احتمال قانون‌شکنی‌اش افزایش می‌یابد. درواقع، یادگیری از طریق کنش‌های متقابل مستقیم و غیرمستقیم با دیگران صورت می‌گیرد. به‌علاوه وی اظهار می‌نماید که اشخاصی در معرض عوامل جرم‌زا واقع می‌شوند که برای سهمیم بودن در همان فرهنگ، علایق و عقایدی داشته باشند و در آن، اشکال معینی از رفتار ضداجتماعی و جنایی ممکن است مورد اغماض واقع شده و مردم احساس کنند که برای هم‌نوایی به آن‌ها نیاز دارند. ساترلند بر این باور است که رفتار مجرمانه مانند تمامی رفتارهای دیگر آموخته می‌شود و موروثی و ذاتی نیست. برحسب دیدگاه این دانشمند، هر یک از انسان‌ها در گروه‌های خاص خود، تعاریف یا معانی هنجاری مساعد یا نامساعد را درباره تخلفات قانونی می‌آموزند، اما یک فرد هنگامی مجرم می‌شود که تعاریف مساعد درباره تخلف‌های قانونی را بیش از تعاریف نامساعد در باب آن‌ها پذیرفته باشد (مسعودی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۶).

در کنار این می‌توان به «نظریه تقلید» که از سوی «گابریل تارد» مطرح شده است بیان داشت که بر اساس آن که فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید مبتنی بر تجربه‌های یادگیری مشاهده‌ای است. بر اساس این نظریه، محیط پیرامونی افراد قومی و قبیله‌ای و رفتارهایی که در آن محیط به وقوع می‌پیوندد الگوهای رفتاری می‌باشد که افراد دیگر از آن تقلید می‌نمایند و نزاع‌ها و درگیری‌ها از آن جمله‌اند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۸: ۴۰۲). «چامبلیسن» و «سیدمن» عقیده دارند که چنین شرایطی در هر جامعه پیچیده‌ای که دارای نظام طبقاتی باشد به وجود می‌آید. بنابراین، حاشیه‌نشینی هم یکی از نشانه‌های وجود اختلاف طبقاتی در جامعه و از عوامل مشدد آن است که خود می‌تواند از علل اصلی نزاع‌ها و درگیری‌ها محسوب گردد (ستوده، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

دو دانشمند فرانسوی به نام‌های لافون و میشو در سال ۱۹۷۶ تحقیقاتی در شهر گرانبویل فرانسه انجام داده و به‌روشنی مشخص کرده‌اند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاق زیان‌آور است بوده‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان در این محلات و ساختمان‌های مخروبه از حد متوسط مجموع بزهکاری شهرها زیاده‌تر بوده است. درواقع، هجده درصد بزهکارانی که جرائم گوناگون را مرتکب شده‌اند اغلب در

محله‌های مخروبه و ناسالم ساکن بوده و سی‌وپنج درصد آن‌ها کسانی بوده‌اند که در ساختمان‌ها و محلات بدنام و فاسد به سر می‌برده‌اند. این پژوهشگران نهایتاً رابطه میان محیط سکونت و بزهکاری را تأیید می‌نمایند (صرافی، ۱۳۸۸: ۲۱). «مرتن» در مقاله‌ای که برای نخستین بار در سال ۱۹۳۸ میلادی منتشر شد، مفهوم نظریه دورکیم را ماهرانه موردبررسی مجدد قرار داده و ابراز داشت که اگر از لحاظ فرهنگی اهداف تجویز شده برای فرد غیرقابل حصول گردد (همچنان که برای بیشتر افراد جوان و طبقه کارگر و طبقه پایین پیش می‌آید)، بین آنچه برای ایده آل بودن پایدار می‌ماند و آنچه قابل حصول است اختلاف حاصل می‌شود که نتیجه آن، به سرخوردگی و سرکشی بعدی منجر می‌شود. نظریه فشارهای ساختاری مرتن، رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماعی می‌داند که بعضی از مردم را وادار به انحراف می‌سازد. تعبیر بسیار ساده این نظریه در یک ضرب‌المثل قدیمی آمده است که «فقر باعث انحراف و تبهکاری می‌شود» نتایج تحقیقات انجام‌شده در ایالات متحده در خصوص دو موضوع فقر و بیکاری که عوامل اصلی مهاجرت هستند نشان‌دهنده پیوندهای آشکار این دو موضوع با جرم می‌باشد. دانشمندان دیگری گرایش جوانان به بزهکاری را برحسب ساختار فرصت مشروع و نامشروع موردتوجه قرار داده‌اند. به‌کارگیری مفهوم فرصت‌های نامشروع در نظریه آنان برای تکمیل نظریه مرتون بود که به فرصت‌های مشروع پرداخته است. به نظر آن‌ها، رابطه میان ارزش‌های فرهنگی از یک‌سو و فرصت‌های مشروع و نامشروع از سوی دیگر تعیین‌کننده انواع و فراوانی بزهکاری است همین دید باعث به وجود آمدن «نظریه فرصت افتراقی» گردید. بر این اساس، محرومیت در استفاده از فرصت‌ها، جوانان طبقه پایین جامعه را مستعد رفتار بزهکارانه می‌کند و قضاوت جوانان طبقات پایین جامعه این است که نظام اجتماعی عادلانه نبوده و تبعیض‌آمیز می‌باشد. در این مسیر، حاشیه‌نشینی می‌تواند باعث تشدید نظام طبقاتی و بالا بردن نرخ جرائم و از آن جمله، جرائم خشن گردد (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

نظریه «محرومیت نسبی» هم یکی از نظریاتی هست که در مبانی نظر این موضوع قابل طرح هست. مفهوم محرومیت نسبی را اولین بار در دهه ۱۳۶۰، نویسندگان کتاب «سرباز آمریکایی» به کار بردند. آن‌ها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده می‌کنند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خویش باید داشته باشد. معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است. «هولندر» معتقد است که این محرومیت زمانی اتفاق می‌افتد که مردم: به چیزی میل کنند که آنان را ندارند. خود را مستحق به دست آوردن آن و به خاطر ناتوانی در تملک آن، خود را مقصر ندانند. از نظر رابرت‌گار محرومیت نسبی زمانی به وجود می‌آید که فردی چیزی را مشاهده کند که خودش ندارد اما دیگری دارد و آن فرد مایل است که آن چیز را داشته باشد در تعریف مفهومی، محرومیت نسبی عبارت است از اختلاف منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت. از نظر گار هرچه امکانات پیشرفت و ارتقاء در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (یعنی در گروه‌هایی که انسان خود را با آن‌ها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات انسان‌ها بیشتر می‌شود و یک نوع احساس بی‌عدالتی نسبی به وجود می‌آید. در ضمن هرچه امکان دستیابی به ارزش‌های موردنظر یا ارتقاء اجتماعی کمتر باشد، محرومیت نسبی نیز افزایش پیدا می‌کند بنابراین شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین به‌صورت است که سبب به وجود آمدن شرایط فرهنگی خاصی برای حاشیه‌نشین‌ها می‌شود، به‌طوری‌که از سو فقر فرهنگی و مشکلات مالی و از سوی دیگر دیدن زندگی شهرنشینان که از امکانات امروزی بهره‌مندند، سبب ایجاد نارضایتی عمیق و گسترش محرومیت نسبی در میان این اقشار جامعه می‌شود. این امر گاهی می‌تواند همچون بشکه باروت برای ایجاد آشوب‌های اجتماعی عمل کند. (لهسائی زاده، ۱۳۹۱: ۳۵)

الگوی این تحقیق از دو مفهوم سکونتگاه‌های غیررسمی و بزهکاری تشکیل شده است. سکونتگاه‌های غیررسمی به‌عنوان متغیر مستقل و بزهکاری هم به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. تبعات ناشی از سکونتگاه‌های غیررسمی منجر

به وجود گسل‌های اجتماعی، فاصله طبقاتی، فقدان امکانات رفاهی، کثرت بیکاری، شرایط نامناسب خانواده‌ها، عدم نظارت نهادهای رسمی و... می‌شد و در نتیجه عوامل فوق منجر به وجود بزهکاری در ساکنان مناطق مذکور می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

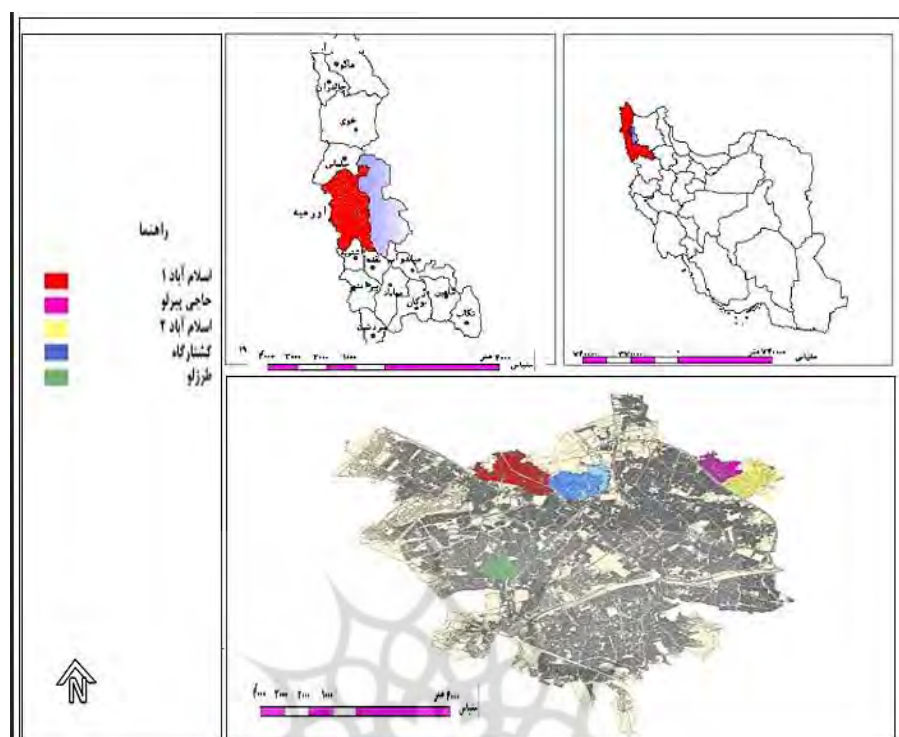
روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر با توجه به موضوع پژوهش حاضر روش زمینه‌یابی و توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری ما در این پژوهش شامل کلیه مناطق اسلام‌آباد کشتارگاه و پشت کشتارگاه که در شهر ارومیه در مناطق حاشیه‌نشین شهر زندگی می‌کنند می‌باشند. نمونه آماری در این پژوهش از بین جامعه مورد مطالعه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۲ منطقه حاشیه‌نشین شهر ارومیه (اسلام‌آباد و کشتارگاه) انتخاب شدند از بین دو منطقه انتخابی به تعداد ۱۰۰ نفر معادل (۰۰۵٪) جمعیت ساکن بر اساس دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در سال ۱۳۹۷ انتخاب شده‌اند نمونه‌گیری تصادفی ساده روشی است که در آن برای هر یک از اعضای جامعه (واحد نمونه‌گیری) امکان مساوی برای انتخاب شدن، فراهم شود. جهت جمع‌آوری اطلاعات از مشاهده و پرسشنامه استفاده شده است پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر محقق ساخته می‌باشد که شامل ۲۰ سؤال ۵ گزینه‌ای با طیف لیکرت است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از نرم‌افزار SPSS و روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین برای کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک‌ها و پارامترهای آماری توصیفی و استنباطی در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شد. برای اطمینان از نتایج حاصل از پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. روایی این پرسشنامه این هست که سعی شده هست پرسش‌ها دقیق و در ارتباط با موضوع باشد و بتواند ما را به هدف اصلی تحقیق برساند و در کنار آن پرسشنامه‌ها به صورت مصاحبه‌ای و توسط محقق تکمیل شده است. پایایی پرسشنامه با انجام پیش‌آزمون (تکمیل ۳۰ پرسشنامه مقدماتی به صورت تصادفی بین ساکنان) با مقدار آلفای کرونباخ ۰/۹۳ در قالب نرم‌افزار SPSS تأیید شد.

محدوده مورد مطالعه

این محدوده که موسوم به اسلام‌آباد کشتارگاه است در شمال غربی شهر ارومیه و در دامنه‌های جنوبی و جنوب غربی تپه‌های مووم به جهودلرداغی (کوه یهودیان) قرار گرفته است. این محدوده که از شمال به کوه یهودیان و گورستان باغ رضوان، از جنوب به چمن‌های خاتون جان، از غرب به نهر بادکی و اراضی کشاورزی و از شرق به بلوار شهید رجایی (آپادانا) محدود می‌شود. از دو بخش قابل تشخیص به نام‌های پشت کشتارگاه و اسلام‌آباد پدید آمده و وسعت آن ۲۴۵ هکتار

می‌باشد. فاصله تقریبی این محدوده از بافت مرکزی شهر - باروی قدیمی - ۱۱۰۰ متر است. این محدوده در حدفاصل دو گورستان متعلق به اقلیت‌های مذهبی کلیمیان و آشوریان قرار گرفته است (استانداری آذربایجان غربی، ۱۳۹۰).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه (برگرفته از: مظفری نیا و مصیب زاده، ۱۴۰۱: ۲۷۲)

یافته‌ها

مبنای بررسی قرار گرفتن این مناطق نسبت به دیگر سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرستان ارومیه به این قرار می‌باشد که عواملی چون وضعیت مالی ضعیف، وضعیت بد مسکن، محل زندگی، نبود شغل مناسب، گرایش افراد به مشاغل کاذب و همچنین پایین بودن درآمد که همگی تصویری از سیمای اسکان غیررسمی این مناطق می‌باشد که در مقایسه با سایر مناطق سکونتگاه‌های غیررسمی شهرستان ارومیه قابل ملاحظه می‌باشد، که زمینه را برای ارتکاب جرم‌هایی نظیر سرقت، کلاهبرداری اعتیاد، نزاع و درگیری قاچاق و کسب درآمد از راه نامشروع فراهم کرده است به‌طوری‌که آمار بزهکاری این مناطق نسبت به دیگر مناطق حاشیه‌نشین شهرستان ارومیه نگران‌کننده می‌باشد.

جدول ۱. شاخص‌های اجتماعی - جمعیت محدوده

نسبت محصلین دختر به جمعیت ۱۲ تا ۱۶ سال زنان	نسبت محصلین کل به جمعیت ۱۲ تا ۱۶ سال	نرخ باسوادی زنان	نرخ باسوادی کل	جمعیت کمتر از ۱۵ سال	نسبت مرد به زن	تعداد خانوار	جمعیت	خانوار	۳
۶/۰۱	۷۹/۶۷	۴۵/۳۰	۶۵/۳۳	۴۶/۱۵	۱۰۳/۸۹	۵/۵۱	۱۱۷۳۱	۴۶۱۶	پشت کشتارگاه
۶/۹۵	۴۱/۵۰	۵۷/۰۶	۳۷/۸۳	۵۲/۰۵	۱۰۰/۵۲	۶/۳۸	۱۰۹۹۷	۱۷۲۲	اسلام‌آباد
۵/۱۹	۱۳۵/۱	۱۴۰/۶۸	۷۹/۸۲	۸۴/۹	۳۳/۷۵	۴/۲۶	-	-	میانگین شهر

منبع: مرکز آمار ایران، آمار سرشماری عمومی (۱۳۹۰)

اعداد مندرج در جدول (۱) نشان‌دهنده وضعیت نازل برخی از شاخص‌ها به‌ویژه در خصوص زنان و کودکان در محدوده اول به‌ویژه بخش غربی آن، اسلام‌آباد می‌باشد. جمعیت کمتر از ۱۵ سال ۵۰ درصد از میانگین شهر بیشتر است. و بیش از نیمی از جمعیت این محدوده در سنین یادشده واقع بوده‌اند. نرخ بسیار نازل باسوادی به‌ویژه در میان زنان و عدم اشتغال به تحصیل افراد در سنین واجب التحصیل به همراه بار تکفل و نفر در واحد مسکونی بسیار فراتر از میانگین شهری همه دلالت بر تفاوت‌های قابل توجه و محرومیت ساکنان این محدوده از شهر ارومیه است. و این تفاوت‌ها علیرغم گذشت ۶ بیش از ده سال از سرشماری سال ۱۳۹۰ با توجه به توسعه روزافزون کالبدی محدوده در طی سال‌های یادشده و الحاق اراضی جدید به بافت مسکونی که نشانگر ادامه روند مهاجرت‌ها است. بر اساس پیمایش انجام‌شده جمعیت محدوده یادشده در حال حاضر بیش از ۱۲۱۰۰۰ نفر می‌باشد که در ده سال گذشته بیش از ۲۳ درصد افزایش یافته است (استانداری آذربایجان غربی، ۱۳۹۰). هرچند طبق سرشماری دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در سال ۱۳۹۷، محله کشتارگاه دارای جمعیت ۱۱۷۳۱ نفر بوده و محله اسلام‌آباد که در بخش شمال شرقی شهر واقع گردیده است با جمعیت ۹۶۵۷ نفر در منطقه ۲ شهر ارومیه گزارش شده هست (صمدی. دیگران، ۱۴۰۱: ۶۵۴).

فرضیه اصلی: بین سکونت در سکونتگاه‌های غیررسمی (حاشیه‌نشینی) و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه

حاشیه‌نشینی	رفتار بزهکارانه
همبستگی پیرسون	۱
حاشیه‌نشینی	۰/۵۴۶ **
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد	۱۰۰

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

با توجه به جدول (۲) که از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است در این آزمون سطح معناداری ($P = ۰/۰۰۰$) کمتر از ۰/۰۵ است همبستگی بین حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه با ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده بین دو متغیر ($r = ۰/۵۴۶$) می‌باشد یعنی بین حاشیه‌نشینی (سکونت در سکونتگاه‌های

غیررسمی) و گرایش به رفتار بزهکارانه همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه به‌دست‌آمده دوطرفه است و فرضیه تأیید می‌شد و این همان چیزی هست که دو دانشمند فرانسوی به نام‌های لافون و میشو در سال ۱۹۷۶ به‌روشنی مشخص کرده‌اند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاق زیان‌آور است بوده‌اند. این پژوهشگران نهایتاً رابطه میان محیط سکونت و بزهکاری را تأیید کرده‌اند.

فرضیه فرعی ۱: بین توزیع ناعادلانه ثروت و مهاجرت و گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳. ضریب همبستگی بین توزیع ناعادلانه ثروت و مهاجرت و گرایش به رفتار بزهکارانه

رفتار بزهکارانه	توزیع ناعادلانه ثروت و مهاجرت	همبستگی پیرسون
۰/۳۱۹*	۱	توزیع ناعادلانه ثروت و مهاجرت
۰/۰۰۱		سطح معناداری
۱۰۰	۱۰۰	تعداد

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

با توجه به جدول (۳) که از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است در این آزمون سطح معناداری ($P = ۰/۰۰۱$) کمتر از ۰/۰۵ است همبستگی بین توزیع ناعادلانه ثروت و مهاجرت و گرایش به رفتار بزهکارانه با ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده بین دو متغیر ($r = ۰/۵۴۶$) می‌باشد بین توزیع ناعادلانه ثروت و مهاجرت و گرایش به رفتار بزهکارانه همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه به‌دست‌آمده دوطرفه است و فرضیه تأیید می‌شد. تأیید فرضیه فوق به‌نوعی منطبق با نظریه فشارهای ساختاری مرتن، که رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماع می‌داند که بعضی از مردم را وادار به انحراف می‌سازد و بعلاوه نتایج تحقیقات انجام‌شده در ایالات‌متحده در خصوص دو موضوع فقر و بیکاری که عوامل اصلی مهاجرت هستند نشان‌دهنده پیوندهای آشکار این دو موضوع با جرم می‌باشد. و از طرفی این نتیجه با «نظریه فرصت افتراقی» نیز تا حدودی همسو هست بر این اساس، محرومیت در استفاده از فرصت‌ها، جوانان طبقه پایین جامعه را مستعد رفتار بزهکارانه می‌کند و قضاوت جوانان طبقات پایین جامعه این است که نظام اجتماعی عادلانه نبوده و تبعیض‌آمیز می‌باشد. در این مسیر، حاشیه‌نشینی می‌تواند باعث تشدید نظام طبقاتی و بالا بردن نرخ جرائم و از آن جمله، جرائم خشن گردد (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

فرضیه فرعی ۲: بین میزان محرومیت نسبی در حاشیه شهرها و زمینه‌سازی برای بزهکاری رابطه وجود دارد.

H_0 : رابطه مؤثری بین میزان محرومیت نسبی در حاشیه شهرها و زمینه‌سازی برای بزهکاری وجود ندارد.

H_1 : رابطه مؤثری بین میزان محرومیت نسبی در حاشیه شهرها و زمینه‌سازی برای بزهکاری وجود دارد.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین میزان محرومیت نسبی و زمینه‌سازی برای بزهکاری

زمینه‌سازی برای بزهکاری	میزان محرومیت نسبی	همبستگی پیرسون
۰/۵۰۶**	۱	میزان محرومیت نسبی
۰/۰۳۹		سطح معناداری
۱۰۰	۱۰۰	تعداد

** همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

با توجه به جدول (۴) که از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است در این آزمون سطح معناداری ($P = ۰/۰۳۹$) کمتر از $۰/۰۵$ است همبستگی بین میزان محرومیت نسبی در حاشیه شهرها و زمینه‌سازی برای بزهکاری با ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده بین دو متغیر ($r = ۰/۵۰۶$) می‌باشد بین میزان محرومیت نسبی در حاشیه شهرها و زمینه‌سازی برای بزهکاری همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه به‌دست‌آمده دوطرفه است و فرضیه تأیید می‌شود.

این همان نظریه محرومیت نسبی هست که بر اساس آن، اعتقاد ساکنان مناطق حاشیه‌نشینی مبنی بر پیشرفت و داشتن زندگی بهتر در مقایسه با زندگی شهرنشینی به‌عنوان الگو، وعدم دستیابی به آن بر اساس امکانات موجود، احساس محرومیت نسبی در این افراد بیشتر شده و زمینه نارضایتی اجتماعی بیشتر شده و زمینه بزهکاری و تمایل به اهداف نامشروع بیشتر می‌شود.

فرضیه فرعی ۳: بزهکاری شهروندان حاشیه‌نشین و عادی بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها متفاوت است.

جدول ۵. مقایسه بزهکاری شهروندان به تفکیک پایگاه اجتماعی - اقتصادی

بزهکاری شهروندان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
پایین	۸۱	۶۳/۴۸	۱۲/۶۴	۱/۴۰
متوسط	۱	۷۵/۵۴	۱۷/۱۵	۳/۹۳
درجه آزادی	t	F	سطح معناداری sig	
۹۸	-۳/۴۸۲	۱/۸۳۲	۰/۰۰۱	وارianس‌های برابر
۲۲/۸۰	-۲/۸۸۶			وارianس‌های نابرابر

طبق اطلاعات جدول (۵) که از آزمون T استفاده شده است میانگین بزهکاری شهروندان ی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایینی دارند برابر $۶۳/۴۸$ درصد و میانگین بزهکاری شهروندان ی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسطی دارند برابر با $۷۵/۵۴$ درصد به‌دست‌آمده است درجه آزادی برابر ۹۸ و $t = -۳/۴۸۲$ و $p = ۰/۰۰۱$ است با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول (۵) می‌توان گفت که فرضیه تأیید می‌شود و بین بزهکاری شهروندان حاشیه‌نشین و عادی بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی تفاوت وجود دارد.

مشخص هست که اشخاصی که در مناطق غیررسمی سکونت دارند از لحاظ طبقه اجتماعی و اقتصادی در سطح پایین‌تری قرار دارند (هرچند در این زمینه موارد استثنایی وجود دارد) ولی با توجه به ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیررسمی، ساکنین این مناطق در وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین‌تری قرار دارند و در صد میانگین بزهکاری در بررسی فرضیه فوق مؤید این قضیه هست.

فرضیه فرعی ۴: بین محل سکونت و بیکاری در گرایش به بزهکاری و آسی‌ب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.

H_0 : رابطه مؤثری بین محل سکونت و بیکاری در گرایش به بزهکاری و آسی‌ب‌های اجتماعی وجود ندارد.

H_1 : رابطه مؤثری بین محل سکونت و بیکاری در گرایش به بزهکاری و آسی‌ب‌های اجتماعی وجود دارد.

جدول ۶. ضریب همبستگی بین محل سکونت و بیکاری و گرایش به بزهکاری و آسیب اجتماعی

محل سکونت و بیکاری		گرایش به بزهکاری و آسیب اجتماعی
همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۲۸**
محل سکونت و بیکاری	سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد	۱۰۰	۱۰۰

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

با توجه به جدول (۶) که از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است در این آزمون سطح معناداری ($P = 0/000$) کمتر از ۰/۰۵ است همبستگی بین محل سکونت و بیکاری در گرایش به بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی با ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده بین دو متغیر ($r = 0/628$) می‌باشد بین محل سکونت و بیکاری در گرایش به بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه به‌دست‌آمده دوطرفه است و فرضیه تأیید می‌شد.

نکته‌ای که در جهت اثبات این فرضیه لازم به یادآوری هست اینکه اغلب افراد سکونت‌گاه‌های غیررسمی مشاغل خدماتی پایین دارند و در اکثر اوقات سال هم بیکار هستند و هیچ تضمین و یا تثبیت شغلی در آینده ندارند و علت بیکاری و یا شاغل در سطوح پایین‌تر به دلیل فقدان مهارت و یا تخصص لازم و سطح پایین سواد در مشاغل مختلف هستند. و این امر سبب گرایش به بزهکاری را تقویت می‌کند. و حتی در یک تحقیق مستقل صورت گرفته در دهه ۴۰ از یکی از محله‌های تهران رابطه بین محل سکونت بیکاری و گرایش به بزهکاری را تقویت می‌کند (آیت‌اللهی، ۱۳۹۶).

فرضیه ۵: بین محل سکونت و فقر در گرایش به بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.

H_0 : رابطه مؤثری بین محل سکونت و فقر در گرایش به بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد.

H_1 : رابطه مؤثری بین محل سکونت و فقر در گرایش به بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد.

جدول ۷. ضریب همبستگی بین محل سکونت و فقر و گرایش به بزهکاری و آسیب اجتماعی

محل سکونت و فقر		گرایش به بزهکاری و آسیب اجتماعی
همبستگی پیرسون	۱	۰/۵۳۸**
محل سکونت و فقر	سطح معناداری	۰/۰۰۱
تعداد	۱۰۰	۱۰۰

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

با توجه به جدول (۷) که از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است در این آزمون سطح معناداری ($P = 0/001$) کمتر از ۰/۰۵ است همبستگی بین محل سکونت و فقر در گرایش به بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی با ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده بین دو متغیر ($r = 0/538$) می‌باشد بین محل سکونت و فقر در گرایش به بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی همبستگی مثبت وجود دارد و رابطه به‌دست‌آمده دوطرفه است و فرضیه تأیید می‌شد. و این چیزی هست که دورکیم و جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که پدیده بزه‌کاری عمدتاً مرتبط با عوامل اجتماعی از جمله شرایط نامناسب خانواده، بیکاری، وضع بد اقتصادی خانواده و... است که نقش تعیین‌کننده‌ای در بزهکاری و اعمال مجرمانه افراد دارد.

بحث

حاشیه‌نشینی به عنوان یکی از معضلات اجتماعی در شهرهای بزرگ، تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر افزایش رفتارهای بزهکارانه دارد. نتایج بررسی‌های انجام شده در مناطق غیررسمی شهرستان ارومیه، به‌ویژه در محله‌های پشت کشتارگاه و اسلام‌آباد، نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی این سکونتگاه‌ها بستری مناسب برای ارتکاب جرم فراهم کرده است. نرخ پایین باسوادی، وضعیت نامناسب مسکن، تراکم بالای جمعیت در واحدهای مسکونی، فقر اقتصادی و بیکاری از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گرایش به بزهکاری در این مناطق هستند. داده‌های آماری نیز نشان می‌دهند که همبستگی مثبتی میان حاشیه‌نشینی و رفتارهای مجرمانه وجود دارد، به گونه‌ای که افزایش میزان حاشیه‌نشینی با افزایش نرخ بزهکاری همراه بوده است. علاوه بر این، توزیع ناعادلانه ثروت و فرصت‌های اقتصادی در شهر، مهاجرت بی‌رویه به این مناطق را تشدید کرده و موجب شکل‌گیری الگوهای ناهنجار اجتماعی شده است. احساس محرومیت نسبی در میان ساکنان این مناطق باعث افزایش نارضایتی و در نتیجه، تشدید گرایش به رفتارهای انحرافی و غیرقانونی می‌شود. نظریات جامعه‌شناختی همچون نظریه فشارهای ساختاری مرتن و نظریه محرومیت نسبی، به‌وضوح این رابطه را تبیین می‌کنند. بنابراین، برای کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی، ضروری است که سیاست‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی کارآمدی در جهت بهبود شرایط زندگی این مناطق تدوین و اجرا شوند تا از افزایش جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی جلوگیری شود. و این با تحقیقات رحیمی و کارگر (۱۴۰۲) و قنبری و دیگران (۱۴۰۲) هم سو می‌باشد. اینکه جرائم در مناطق حاشیه‌ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می‌افتد موردپذیرش همه است و تا زمانی که عوامل زمینه‌ساز جرم و بزهکاری در این مکان‌ها وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. بررسی صورت گرفته در مناطق حاشیه شهرستان ارومیه مشخص کرد که محرومیت نسبی در این مناطق و گرایش به بزهکاری به نوعی رابطه معناداری دارد و این امر با یافته‌های شمشادی (۱۳۹۵) در پژوهش تحلیلی بر سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر نقش و اهمیت عوامل اقتصادی (مطالعه موردی: محله اسلام‌شهر، استان همدان) و نیز قنبری و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان بررسی علل تشدید حاشیه‌نشینی در تبریز از منظر عوامل برنامه‌ریزی ناحیه‌ای منطبق می‌باشد.

نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی یک معضل کلان‌شهری می‌باشد که نشان می‌دهند ضعف در ساختار اجتماعی و اقتصادی است، حاشیه‌نشین‌ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند فقدان نظارت امنیتی کافی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق باعث می‌شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گسترند. علاوه بر این موارد احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرائم خشونت‌آمیز نیست بلکه ناپهنجاری‌ها و رفتارهای اخلاص گران‌های چون اعتیاد، ولگردی، تكدی گری و سرقت، گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی‌اند به نوبه خود قطعاً زمینه رواج گسترده جرائم را نیز فراهم می‌نمایند. در بررسی صورت گرفته در مناطق سکونتگاه‌های غیررسمی شهرستان ارومیه مشخص شد که اشخاصی که در مناطق مذکور سکونت دارند، گرایش به بزهکاری بیشتری دارند چراکه میزان توزیع ناعادلانه ثروت در این مناطق و نیز عدم نظارت و مدیریت شهری در این مناطق ضعیف و کمتر هست. در کل باید گفت که آنچه در مورد سکونت‌گاه‌های غیررسمی قابل توجه هست فقدان برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در برخورد با این محیط‌ها هست به نحوی که چنین محیط‌هایی به جای کاهش تبدیل به فاجعه می‌شود و این در حالی هست که مدیریت تدریجی و توجه شهری نسبت به این محیط‌ها می‌تواند حداقل از دامنه و قلمرو

سکونتگاه‌های غیررسمی بکاهد و از طرفی فقدان نظارت و عدم توجه مدیریتی سبب می‌شود که افراد بزهکار این مناطق را پایگاه امنی برای خود ایجاد کنند. لذا ضروری است به تدابیر و راهکارهای صحیح در خصوص توجه ویژه به این مناطق از جهت فقر مالی، فرهنگی و صورت گیرد.

- بهبود وضعیت حاشیه‌نشینان با همکاری سازمان‌های دولتی و عمومی خصوصاً شهرداری‌ها
- ارتقا کیفیت زندگی ساکنان مناطق موردبحث.
- به رسمیت شناختن سکونت‌گاه‌های غیررسمی توسط نهادهای دولتی و عمومی به‌نحوی که ساکنان منطق مذکور خود را شهروند درجه دو تلقی نکنند.
- تأسیس و راه‌اندازی مراکز و محیط‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و اداری برای سکونتگاه‌های غیررسمی.
- برگزاری برخی مراسم شهری در مناطق مذکور در جهت هویت دهی به ساکنان مناطق مذکور.
- حضور مستمر و استقرار پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها در سکونتگاه‌های غیررسمی که نقش پیشگیرانه و بازدارندگی می‌تواند داشته باشد.

- ارائه آموزش‌های پیشگیرانه به اقشار سکونتگاه‌های غیررسمی از طریق پلیس پیشگیری.
- تقویت شبکه اجتماعی مردم در جهت همکاری بیشتر با پلیس.
- تأسیس یا تقویت پایگاه‌های بسیج در سکونتگاه‌های غیررسمی.

حامی مالی

این اثر حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش

نویسندگان در تمام مراحل و بخش‌های انجام پژوهش سهم برابر داشتند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

تقدیر و تشکر

نویسنده از همه کسانی که در انجام این پژوهش به ما یاری رساندند، به‌ویژه کسانی که کار ارزیابی کیفیت مقالات را انجام دادند، تشکر و قدردانی می‌نماید.

منابع

- آیت‌اللهی، آصف. (۱۳۹۶). بررسی پدیده حاشیه‌نشینی با محوریت نظام اسکان. سومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری. موسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرازی.
- باقرزادگان، امیر و میرزایی، محمد. (۱۳۹۲). بررسی عوامل تحقق نزاع فردی و دسته‌جمعی با تکیه بر نقش حاشیه‌نشینی. نشریه کارگاه، ۲۵، ۱۶۳-۱۹۰.
- توسلی، غلام‌عباس و نورمرادی، سکینه. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی علل گستره آسیب‌های اجتماعی در بین حاشیه‌نشین‌های شهر تهران: مطالعه موردی منطقه چهار (خاک سفید). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی/ایران، ۴ (۳)، ۸۱-۶۵.

- حجازی‌نیا، سام؛ رحیمی، مجید و شمس‌الدینی، علی. (۱۴۰۱). تبیین اثرات حاشیه‌نشینی بر میزان وقوع جرائم شهری در شهر یاسوج: مطالعه موردی سکونتگاه‌های پیرامونی مادوان سفلی، بل هزار و مهریان. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۴۸، ۳۶۳-۳۸۲.
- حیدری، تقی و محمدی، شهرام. (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی آسیب‌های اجتماعی در محلات دارای اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد - شهر زنجان). *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۴۰، ۵۹-۷۶.
- ربانی، رسول؛ کلانتری، صمد و یآوری، نفیسه. (۱۳۹۱). پدیده حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی آن. *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۱۷ (۲)، ۱۵۴-۱۱۹.
- رحیمی، محسن و کارگر، بهمن. (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر بر جرم در مکان‌های بی‌پناه شهری: مطالعه موردی منطقه ۱۹ شهر تهران. *نشریه پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۴۱، ۱۴۳-۱۶۸.
- زاهد زاهدانی، سعید. (۱۳۹۰). *حاشیه‌نشینی*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۳۷۰). *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: آوای نور.
- سروستانی، صدیق رحمت‌الله. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی* (چاپ دوم). تهران: انتشارات آن.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی کج‌روی*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۹۲). *بررسی سیر تحول اسکان غیررسمی با تأکید بر ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۸). بازنگری اسکان خودانگیخته در ایران: در جستجوی راهکار توانمندسازی در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی. *مجموعه مقالات همایش حاشیه‌نشینی*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
- زنگی‌آبادی، علی؛ پرهیز، فریاد؛ احسان و خیام‌باشی، احسان. (۱۳۹۴). تحلیل زمانی-مکانی آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مواد مخدر: مطالعه موردی منطقه ۱۲ شهر تهران. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۱، ۹۵-۱۱۶.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۹۱). نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین: مطالعه موردی شهر کرمانشاه. *نشریه مطالعات شهری*، ۲ (۳)، ۲۱-۶۴.
- قنبری، ابوالفضل؛ حجازی، سید اسدالله و احمدی، بهنام. (۱۴۰۲). بررسی علل تشدید حاشیه‌نشینی در تبریز از منظر عوامل برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. *نشریه جغرافیای اجتماعی شهری*، ۱۰ (۲)، ۲۰-۱.
- کارگر، بهمن و رحیمی، محسن. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت امنیت در سکونتگاه‌های غیررسمی: مطالعه موردی منطقه ۱۹ شهر تهران. *نشریه پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۳۴، ۱-۲۸.
- کریمی، سید هابیل و سرگل‌زایی، یاسر. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی اتباع بیگانه بر امنیت جنوب شرق شهر تهران. *پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی*، ۴۳، ۹۳-۱۲۲.
- گسن، گابریل. (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی*. (علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). تهران: نشر میزان.
- محمدی‌اصل، عباس. (۱۳۸۲). *بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحرافات اجتماعی* (چاپ اول). تهران: انتشارات علم.
- مظفری‌نیا، اسماء و مصیب‌زاده، علی. (۱۴۰۱). تحلیل کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی محلات هدف در شهر ارومیه. *نشریه رفاه اجتماعی*، ۸۷، ۲۵۳-۲۸۳.
- مسعودی، عباس؛ فتح‌الهی، سیامک و میرزایی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرائم نزاع و درگیری: مطالعه موردی شهرستان قم. *نشریه انتظام اجتماعی*، ۶ (۱)، ۵۷-۸۶.
- نجفی‌توانا، علی. (۱۳۸۷). *ناهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوان* (جلد اول). تهران: انتشارات راه تربیت.

References

- Ayatollahi, A. (2017). Examining the phenomenon of marginalization with a focus on the settlement system. *Third Annual Conference on Architectural, Urban Planning, and Urban Management Research. Safiran Rah Mehrazi Institute of Architecture and Urban Planning*. [in Persian].
- Bagherzadegan, A., & Mirzaei, M. (2013). Examining the factors leading to individual and group conflicts with an emphasis on the role of marginalization. *Detective Journal*, 25, 163-190. [in Persian].
- Gassin, G. (2013). *Criminology* (A. H. Najafi Abrandeabadi, Trans.). Tehran: Mizan Publications. [in Persian].
- Ghanbari, A., Hejazi, S. A., & Ahmadi, B. (2023). Examining the causes of intensified marginalization in Tabriz from a regional planning perspective. *Journal of Urban Social Geography*, 10(2), 1-20. [in Persian].
- Heidari, T., & Mohammadi, Sh. (2020). Analysis and evaluation of social harm in informal settlement neighborhoods (Case study: Islam Abad neighborhood - Zanjan city). *Journal of Urban Research and Planning*, 40, 59-76. [in Persian].
- Hejazi-Nia, S., Rahimi, M., & Shamseddini, A. (2022). Explaining the effects of marginalization on the incidence of urban crimes in Yasuj: A case study of peripheral settlements in Madavan Sofla, Bal Hezar, and Mehrian. *Journal of Geography and Regional Planning*, 48, 363-382. [in Persian].
- Kargar, B., & Rahimi, M. (2021). Examining security conditions in informal settlements: A case study of District 19, Tehran. *Journal of Geography and Law Enforcement*, 34, 1-28. [in Persian].
- Karimi, S. H., & Sargolzaei, Y. (2022). Examining the impact of foreign nationals' marginalization on security in the southeast of Tehran. *Journal of Security and Protection Studies*, 43, 93-122. [in Persian].
- Lehsai-Zadeh, A. (2012). The role of relative deprivation in increasing urban violence in marginalized areas: A case study of Kermanshah. *Journal of Urban Studies*, 2(3), 21-64. [in Persian].
- Masoudi, A., Fathollahi, S., & Mirzaei, M. (2014). The impact of marginalization on crime rates related to disputes and conflicts: A case study of Qom. *Journal of Social Order*, 6(1), 57-86. [in Persian].
- Mohammadi-Asl, A. (2003). *Juvenile delinquency and theories of social deviance* (1st ed.). Tehran: Elm Publications. [in Persian].
- Mozaffari-Nia, A., & Mosibzadeh, A. (2022). Analysis of the quality of life of residents in informal settlements in targeted neighborhoods of Urmia. *Journal of Social Welfare*, 87, 253-283. [in Persian].
- Najafi-Tavana, A. (2008). *Anomalies and juvenile delinquency* (Vol. 1). Tehran: Rah Tarbiat Publications. [in Persian].
- Rabani, R., Kalantari, S., & Yavari, N. (2012). The phenomenon of marginalization and its social and cultural consequences. *Journal of Humanities Research, University of Isfahan*, 17(2), 119-154. [in Persian].
- Rahimi, M., & Kargar, B. (2023). Examining the factors influencing crime in unprotected urban areas: A case study of District 19, Tehran. *Journal of Geography and Law Enforcement*, 41, 143-168. [in Persian].
- Salimi, A., & Davari, M. (2009). *Sociology of deviance*. Qom: Research Institute of Seminary and University. [in Persian].
- Sarrafi, M. (2009). A review of spontaneous settlement in Iran: In search of empowerment strategies for marginalization and informal settlement. *Proceedings of the Marginalization Conference. Tehran: University of Welfare Sciences*. [in Persian].
- Sarvastani, S. R. (2010). *Social pathology* (2nd ed.). Tehran: An Publications. [in Persian].
- Setoudeh, H. (1991). *An introduction to social pathology*. Tehran: Avaye Noor. [in Persian].

- Shah-Hosseini, P. (2013). *Examining the evolution of informal settlement with an emphasis on Iran*. Tehran: Samt Publications. [in Persian].
- Tavasoli, G. A., & Nourmoradi, S. (2012). A sociological study of the causes of the spread of social harm among the marginalized population of Tehran: A case study of District Four (Khaak Sefid). *Iranian Journal of Social Development Studies*, 4(3), 65-81. [in Persian].
- Zahed Zahedani, S. (2011). *Marginalization*. Shiraz: University of Shiraz Press. [in Persian].
- Zangi-Abadi, A., Parhiz, F., & Khayambashi, E. (2015). Spatiotemporal analysis of social harms related to drug addiction: A case study of District 12, Tehran. *Strategic Research on Social Issues*, 1, 95-116. [in Persian].

